



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

تفرقه

تفرقه

[1] علاوه بر قرآن.

، اصطلاحی در بحث‌ها و تحلیل‌های اجتماعی، متضاد **وحدت** و **اتحاد** می‌باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - [تعریف تفرقه](#)
- ۲ - [کاربرد تفرقه در قرآن و حدیث](#)
- ۳ - [مقصود از «امت واحده» در روایت](#)
- ۴ - [عوامل متفرق شدن «امت واحده»](#)
 - ۴.۱ - [نقش بغی در متفرق شدن «امت واحده»](#)
 - ۴.۲ - [نقش کفر و سرکشی در تفرقه «امت واحده»](#)
- ۵ - [تفاوت اختلاف با تفرقه](#)
- ۶ - [امکان از بین بردن اختلاف‌ها](#)
- ۷ - [امکان اجتناب از فرقه فرقه شدن](#)
- ۸ - [افتراق منفی و مثبت](#)
- ۹ - [اتحاد کافران مختلف و متفرق](#)
- ۱۰ - [علل تاکید قرآن بر وحدت و اتفاق](#)
- ۱۱ - [جایگاه تفرقه دینی در اجتماع](#)
- ۱۲ - [تفرقه و نفاق در لباس دین](#)
- ۱۳ - [ریشه اصلی تفرقه دینی](#)
- ۱۴ - [پیشینه تفرقه دینی](#)
- ۱۵ - [راه درمان تفرقه دینی](#)
- ۱۶ - [وجه نزول آیه اعتصام](#)
- ۱۷ - [مضمون و ثمره نزول آیه اعتصام](#)
- ۱۸ - [شرط‌هایی از تفرقه از نظر قرآن](#)
- ۱۹ - [شرط‌هایی از تفرقه از نظر پیامبر](#)
- ۲۰ - [فهرست منابع](#)
- ۲۱ - [پانویس](#)
- ۲۲ - [منابع](#)

تعریف تفرقه

تفرقه به معنای پراکنده کردن و جدا جدا کردن

[1] محمد پادشاه بن غلام محیی الدین شاد، اندراج: فرهنگ جامع فارسی، ذیل واژه، چپ محمد دبیر سیاقی، تهران ۱۳۶۳ ش.

و **تفرُّق** به معنای پراکنده شدن، جدا جدا شدن و گراییدن به **فِرْق** (**تفاوت**، **فاصله**، **جدایی**) یا **فِرْق** (نیمه، **بخش** و **شعبه**) یا فرقه (**گروهی** کوچک، **انشعب** یافته از یک **جمعیت** بزرگتر) است.

کاربرد تفرقه در قرآن و حدیث

تفرقه و تفرُّق در **قرآن** و **احادیث**، در مقابل **وحدت** و **اتحاد**، گاه در کنار **اختلاف** و گاه به جای آن به کار رفته است.

مقصود از «امت واحده» در روایت

در روایت **مأثور** از ائمه علیهم السلام و صحابه و تابعین، عبارت قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...»

[۱۳] انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۹۲.

[۱۴] مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۵۲.

به «هذا دینکم دیناً واحداً» تفسیر شده

[۱۵] محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۶۷.

[۱۶] فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۱۱.

و بیشتر **مفسران پیام** این آیه را امر به اجتماع و اتحاد و نهی از تفرقه در دین و فرقه فرقه شدن **مسلمین** دانسته اند.

[۱۷] محمد بن حسن طوسی، التتین فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۴۶.

[۱۸] محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵.

[۱۹] محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۳۳۸-۳۳۹، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵.

امادر آیت بعدی این آیه، در سوره های **انبیاء** و **مؤمنون**، فرقه فرقه شدن **امت** واحده، بر اثر **اعمال** تفرقه انگیز امت های پیشین، **نکوهش** شده است

[۱۰] انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۵۱-۹۱.

[۱۱] انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۹۳-۹۴.

[۱۲] مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۳۱-۵۱.

[۱۳] مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۵۳-۵۴.

و در چهار **موضع** از قرآن کریم، همراه با **تعبیر** «امة واحده»، آمده است که اگر **خداوند** میخواست تمامی **مسلمانان** و پیروان **ادین** دیگر را به صورت امتی واحد در می آورد

[۱۴] مائده/سوره ۵، آیه ۴۸.

[۱۵] هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۸.

[۱۶] نحل/سوره ۱۶، آیه ۹۳.

[۱۷] شوری/سوره ۴۲، آیه ۸.

بنابراین، تا زمانی که خداوند چنین **اراده** ای نکرده است، **وحدت جامعه بشری** و **جوامع** دینی همواره دستخوش **اختلال** خواهد بود.

عوامل متفرق شدن «امت واحده»

← نقش بغی در متفرق شدن «امت واحده»

بعلاوه، در قرآن کریم **اختلاف** در جوامع دینی، به رغم **ماهیت** اولیه آنها که امت واحده هستند، **فرایندی طبیعی** به حساب آمده

[۱۸] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۳.

[۱۹] یونس/سوره ۱۰، آیه ۱۹.

[۲۰] هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۸.

[۲۱] شوری/سوره ۴۲، آیه ۸.

[۲۲] شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۰.

[۲۳] مائده/سوره ۵، آیه ۴۸.

و منشأ اختلاف و تفرقه «بغی» (**خونخواهی** و **افزون طلبی انسان**) دانسته شده است.

[۲۴] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۳.

[۲۵] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۹.

[۲۶] شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۴.

← نقش کفر و سرکشی در تفرقه «امت واحده»

در آیت دیگر به **کفر** و **سرکشی** قوم **یهود** و به **فراموشی** سپردن یادآوری های خداوند در میان **نصاری** اشاره و این دو امر زمینه ساز پیدایی اختلاف در میان ایشان دانسته شده است که تا **قیامت** باقی می ماند.

[۲۷] مائده/سوره ۵، آیه ۱۴.

[۲۸] مائده/سوره ۵، آیه ۶۴.

[۲۹] سجده/سوره ۳۲، آیه ۲۵.

در آیه ۱۰۵ سوره آل عمران

[۳۰] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۰۵.

، به اختلاف و تفرقه اشاره شده است.

تفاوت اختلاف با تفرقه

اختلاف با تفرقه **تفاوتی** اساسی دارد: اختلاف **پندیه** ای طبیعی و **اجتناب** ناپذیر است اما تفرقه امری غیر طبیعی و اجتناب پذیر است.

باید اختلاف **بینش** ها و **نگرش** ها را در **چارچوب** طبیعی شان **محدود** کرد تا به تفرقه نینجامند.

تفرقه هنگامی **پرویز** می کند که موارد **وفاق** و اتفاق در نظر گرفته نشوند و بر فرقها و اختلافها **پافشاری** شود، به گونه ای که **پیروان** یک **دین** با وجود **ایمان** داشتن به خدای یکتا و

پیروی از پیامبر و کتب و قبله ای واحد، یکدیگر را **کافر** و اهل **باطل** بیندارند.

[۳۱] **آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۰۵.**

[۳۲] **شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۴.**

[۳۳] **بینه/سوره ۹۸، آیه ۴.**

در قرآن اختلاف اساساً امری طبیعی دانسته شده است

[۳۴] **هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۸-۱۱۹.**

، همچنانکه اختلافاتی از قبیل اختلافات **قهی**، که مانع اتفاق و **همبستگی** مسلمانان و **دینداران** نمی‌شوند، **تحريم** نشده اند

[۳۵] **محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۴۵۹، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.**

، بلکه اختلافاتی **ممنوع** شده‌اند که سبب **فساد** و **فتنه** می‌شوند.

امکان از بین بردن اختلاف ها

برخی **عقیده** دارند که **ریشه کن کردن** اختلاف ها و از بین بردن آن‌ها بطور کامل **میسر** است، اما بنا بر قرآن کریم

[۳۶] **هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۸.**

این امر **محال** است و در حدیثی **نبوی** نیز آمده که اختلاف امت **اسلام** یکی از **مظاهر رحمت** الهی است.

[۳۷] **محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.**

[۳۸] **ابن بابویه، معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۵۷، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۱ ش.**

امکان اجتناب از فرقه فرقه شدن

در احادیث، **افتراق** (فرقه فرقه شدن) نیز امری طبیعی و **ناگزیر** تلقی شده است؛ چنانکه از پیامبر اکرم نقل کرده‌اند که بزودی **امت** اسلام نیز مانند **یهود** و **نصاری** **فرقه فرقه** خواهد شد (حدیث افتراق).

[۳۹] **عبد الله بن عبد الرحمن دارمی، سنن الدارمی، ج ۲، ص ۲۴۱، چاپ محمد احمد دهمان، دمشق: مکتبه الاعتدال.**

[۴۰] **محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹-۱۶۰، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.**

[۴۱] **محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۱۳۰-۱۲۹، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.**

[۴۲] **محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۹۳۸۰.**

افتراق منفی و مثبت

افتراق، تا آنجا که به معنای **تفاوت** و چند گونه‌گی **آرا** و **اندیشه‌ها** باشد، ناپسند نیست اما آنچه **نهی** شده تفرقه افکنی و **تفرقه** انگیزی است.

پیامبر اکرم از مسلمانان با **تعبیر** «بِذِّ وَاحِدَةٍ عَلٰی مَنْ سِوَاهُمْ» یاد کرده و خواسته است که مسلمانان همواره در برابر دیگران **یکپارچه** و **متحد** باشند

[۴۳] **عبد الرزاق بن همام صنعانی، المصنّف، ج ۵، ص ۲۲۶، چاپ حبیب الرحمن اعظمی، بیروت: مجلس العلمی.**

[۴۴] **محمد غزوی، الامثال النبویة، ج ۲، ص ۳۴۷، بیروت ۱۴۰۱.**

، همچنانکه **قرآن کریم** نیز تمام **مؤمنان** را **برادران** یکدیگر دانسته است.

[۴۵] **حجرات/سوره ۴۹، آیه ۱۰.**

اتحاد کافران مختلف و متفرق

بنا بر آیه ۷۳ **سوره انفال**

[۴۶] **انفال/سوره ۸، آیه ۷۳.**

، **کافران** با همه اختلافاتی که با یکدیگر دارند، در **مخالفت** و **رویاری** با مسلمانان **هم‌دست** و هم دل‌اند و اگر مسلمانان با یکدیگر **اتحاد** و همبستگی نداشته باشند، **فتنه** و **اشوب** همه جا را فرا خواهد گرفت.

بر این نکته نیز تأکید شده که وحدت **منافقان**، **صوری** یا **نمایشی** است: «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى . . .».

[۴۷] **حشر/سوره ۵۹، آیه ۱۴.**

علل تاکید قرآن بر وحدت و اتفاق

برای درک **تأکیدات** مستمر و گوناگون قرآن کریم بر وحدت و اتفاق، باید به وضع **اجتماع** و **محیطی** که قرآن در آن **نازل** شده است توجه کرد.

ویژگیهای اخلاقی و اجتماعی و محیطی **اعراب**، مانع همبستگی آنها، به عنوان یک امت، و موجب تفرقه و **تکروی** آن‌ها می‌شد.

از جمله این ویژگی ها، **گرایش** جثی به **حریت** و **مقاومت** در برابر به **بند** کشیده شدن بود که حتی **هرودوت** و دیگر **مورخان یونانی** و **رومی** را هم به **تعجب** واداشت.

[۴۸] **جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۴۰۸، بیروت ۱۹۷۶/۱۹۷۸.**

از همین رو **عرب جاهلی**، جز در پاره ای موارد **ضروری**، به هیچگونه **تعهدی** تن نمی‌داد. [۴۹] جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۴۰۸، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

افراط در اعمال این **خصلت** منجر به **فردگرایی** شدید و **عنان گسیخته** اعراب و مانع از تشکیل **جوامع** بزرگ و امت می‌شد. [۵۰] جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۴۰۸، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

اعراب در واقع تنها **عشیره** و **قبیله** را - که افراش با هم **نسبت خونی** داشتند - به **رسمیت** می‌شناختند. این ویژگی در تمام **عربستان** وجود داشت، اما در **مدینه**، به سبب وجود **یهودیان** و **مسیحیان**، اختلافات **مذهبی** هم بر این **ویژگی** افزوده می‌شد و علاوه بر تفرقه اجتماعی، تفرقه دینی نیز در آنجا بروز می‌کرد.

جایگاه تفرقه دینی در اجتماع

در **قرآن کریم**، تفرقه دینی در کنار تفرقه اجتماعی **نهی** و **نهی** شده است و تفرق در **دین** در برابر **اقامه** دین به کار رفته و **عامل** تفرقه گرای **مشرکان**، **انس** و **عانت** به مظاهر **شُرک** دانسته شده است.

[۵۱] **شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۳.**

[۵۲] **روم/سوره ۳۰، آیه ۳۱-۳۲.**

خداوند **پیامبر اسلام** را به «استقامت» (بر راه **راست**، **ثابت** ماندن)

[۵۳] **حسین بن محمد** راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «قوم»، چاپ محمد سید کیلانی، بیروت.

در تفرقه زدایی **امر** کرده است.

[۵۴] **شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۴-۱۵.**

همچنین، در ادامه **آیه فطرت**

[۵۵] **روم/سوره ۳۰، آیه ۳۰.**

، **فرقه گرایی** ها و تفرقه انگیزی های مسلمانان را برابر با **شُرک و وزین** و به **صفوف** **مشرکان** پیوستن اعلام می‌کند.

[۵۶] **روم/سوره ۳۰، آیه ۳۱-۳۲.**

در قرآن کریم، این **عجب** و **خودپسندی**، که بر پایه آن هر فرقه و گروه به آنچه خود دارند **خرسند** و شلمان‌اند و **باورها** و **پایبندی** های فرقه های دیگر را **ارج** نمی‌نهند و به **سخره** می‌گیرند، سخت **نکوهش** شده است.

[۵۷] **مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۵۳.**

[۵۸] **روم/سوره ۳۰، آیه ۳۲.**

[۵۹] **محمد بن جریر طبری**، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۳.

[۶۰] **محمد بن احمد قرطبی**، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۳۲، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵.

[۶۱] **ابن عاشور** (محمد طاهر بن محمد)، تفسیر التحرير و التتویر، ج ۱۸، ص ۷۲-۷۳، تونس ۱۹۸۴.

در واقع، قرآن کریم تفرقه در **دین** را مطلقاً **نهی** می‌کند و **حسب** اهل تفرقه را از **پیامبر اسلام** جدا می‌سازد.

[۶۲] **انعام/سوره ۶، آیه ۱۵۹.**

[۶۳] **محمد حسین طباطبائی**، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۸۹۳۹۰.

تفرقه و نفاق در لباس دین

همچنین، پیامبر اسلام از پای نهادن به **مسجد ضرار** (**مسجد نفاق**)، که **منافقان** **مدینه** آن را برای ایجاد تفرقه در میان **مسلمانان** بنا کرده بودند

[۶۴] **محمد بن جریر طبری**، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۹۱۷.

، نهی شد تا مسلمانان دریابند که مسجد نیز هرگاه به **پایگاه** تفرقه **تبدیل** شود، حتی پای نهادن در آن **شرعاً** روا نیست.

[۶۵] **توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۷-۱۱۰.**

علمان مسلمان نیز در باره **وجوب** ویران کردن مساجدی که با چنین **هفتی** ساخته شوند، **اتفاق نظر** دارند.

[۶۶] **محمد بن عمر فخر رازی**، التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۱۹۵، قاهره.

[۶۷] **محمد بن احمد قرطبی**، الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۵۴، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵.

[۶۸] **ابن عاشور** (محمد طاهر بن محمد)، تفسیر التحرير و التتویر، ج ۱۱، ص ۳۱، تونس ۱۹۸۴.

ریشه اصلی تفرقه دینی

بنا بر **آیت** قرآن کریم، **ریشه** اصلی تفرقه دینی، **جدایی** افکندن و فرق نهادن میان پیامبران و **بیروی** از **دین** و **شریعت** یکی از پیامبران را **بهانه** مخالفت با دیگر پیامبران قرار دادن است، به گونه ای که پیروان یک دین، **آیین** خود را متفاوت با دیگر **ادیان الهی** و جدا از آن‌ها بدانند.

[۶۹] **نساء/سوره ۴، آیه ۱۵۰-۱۵۲.**

قرآن به مسلمانان **توصیه** می‌کند که به همه پیامبران و **کتاب‌های آسمانی** و **شریعت** های الهی **ایمان** داشته باشند و بین پیامبران فرق نگذارند.

[۷۰] بقره/سوره ۲، آیه ۱۳۶.

[۷۱] بقره/سوره ۲، آیه ۲۸۵.

در واقع، مُسلم حقیقی بودن مشروط به چنین ایمانی است.

[۷۲] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۹-۲۰.

[۷۳] آل عمران/سوره ۳، آیه ۸۴-۸۵.

پیشینه تفرقه دینی

قرآن کریم پیشینه تفرقه در دین را به **اهل کتاب** (**یهود** و **نصاری**)، منتسب کرده

[۷۴] شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۴.

[۷۵] بینه/سوره ۹۸، آیه ۴.

[۷۶] محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۲، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

[۷۷] محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۴۳، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

[۷۸] ابن عاشور (محمد طاهر بن محمد)، تفسیر التحریر و التتویر، ج ۲۵، ص ۵۸۵۶، تونس ۱۹۸۴.

که **آگاهانه**، بر اختلافات مذهبی **بافشاری** کردند و **بب** تفرقه در دین را گشودند

[۷۹] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۳.

[۸۰] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۹.

[۸۱] یونس/سوره ۱۰، آیه ۹۳.

[۸۲] جائیه/سوره ۴۵، آیه ۱۷.

و امت **موسی** علیه‌السلام را نخستین **گروهی** دانسته که در دین تفرقه کردند.

[۸۳] هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۰.

[۸۴] فصّات/سوره ۴۱، آیه ۴۵.

قرآن مسلمانان را از این‌که همانند آنان **رفتار** کنند، **بر حذر** می‌دارد.

[۸۵] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۰۵.

[۸۶] محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۵۰.

آنان **ادعا** می‌کردند که جز **یهود** و **نصاری** **پیروان** هیچ دین دیگری به **بهشت** نمی‌روند

[۸۷] بقره/سوره ۲، آیه ۱۱۱.

و به مسلمانان می‌گفتند اگر می‌خواهید **هدایت** یابید، **یهودی** یا **نصرانی** شوید.

[۸۸] بقره/سوره ۲، آیه ۱۳۵.

در عین حال، **حقانیت** یکدیگر را نیز **نفی** و همانند بی‌خبران از دین و مشرکان **رفتار** می‌کردند.

[۸۹] بقره/سوره ۲، آیه ۱۱۳.

راه درمان تفرقه دینی

قرآن کریم برای برقرار ماندن **وحدت** و **همبستگی** میان مسلمانان، آنان را به **جنگ زدن** به **ریسمان** الهی **امر** و از تفرقه افکنی و تفرقه انگیزی **نهی** می‌کند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...».

[۹۰] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۰۳.

اعتصام به معنی **تمسک** و **آویختن** به یک چیز است.

[۹۱] حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «عصم»، چاپ محمد سید کیلانی، بیروت.

حبل الله در **روایت** به **قرآن کریم**

[۹۲] محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۱.

[۹۳] محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۴۵.

[۹۴] محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

[۹۵] هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰۵، چاپ محمود بن جعفر موسوی زرنندی، تهران ۱۳۳۴ ش، چاپ افست قم.

[۹۶] عبد علی بن جمعه حویزی، کتاب تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم (۱۳۸۳/۱۳۸۵).

[۹۷] محمود بن عبد الله الوسی، روح المعانی، ج ۴، ص ۱۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

، **آل محمد** صلی الله علیه وآله وسلم

[۹۸] هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰۷، چاپ محمود بن جعفر موسوی زرنندی، تهران ۱۳۳۴ ش، چاپ افست قم.

[۹۹] عبد علی بن جمعه حویزی، کتاب تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم (۱۳۸۳/۱۳۸۵).

، قرآن و **عترت**

[۱۰۰] محمود بن عبد الله الوسی، روح المعانی، ج ۴، ص ۱۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

، **توحید** و **ولایت**

[۱۰۱] [عبد علی بن جمعه حویزی](#)، کتاب تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۸، [چاپ هاشم رسولی محلاتی](#)، قم (۱۳۸۳/۱۳۸۵).

و چیزهایی از این قبیل تفسیر شده است.

برخی از [مفسران](#) نیز آن را به معنای [دین](#) و [آیین اسلام](#) گرفته اند.

[۱۰۲] [محمد بن حسن طوسی](#)، [التبیین فی تفسیر القرآن](#)، ج ۲، ص ۵۴۵.

[۱۰۳] [محمد بن حسن طوسی](#)، [التبیین فی تفسیر القرآن](#)، ج ۲، ص ۵۴۹.

[۱۰۴] [محمد جواد مغنیه](#)، [التفسیر الکاشف](#)، ج ۲، ص ۱۲۲، بیروت ۱۹۸۰-۱۹۸۱.

بنابراین، هر [رویکرد](#) و [عملکردی](#) که [محور آن خداجویی](#) و [خداخواهی](#) باشد، اعتصام به [حیل الله](#) است و اگر بر پایه [ارتباط](#) با خدا نباشد، تفرقه است. چنانکه پیشتر در [سیاق](#) همین [آیه](#) آمده است: «... وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

[۱۰۵] [آل عمران/سوره ۳](#)، [آیه ۱۰۱](#).

وجه نزول آیه اعتصام

آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» در [مدینه نازل](#) شده و ناظر به [اختلافات](#) میان دو [قبیله اوس](#) و [خزرج](#) است که پیش از اسلام دائماً [درگیر](#) بودند و به [برکت](#) اسلام با هم [الفت](#) یافتند.

بعدها هم گاه با [یادآوری](#) گذشته به [نزاع](#) می‌پرداختند.

[۱۰۶] [محمد بن جریر طبری](#)، [جامع البیان فی تفسیر القرآن](#)، ج ۴، ص ۱۹.

همچنین به [اختلافت مذهبی](#) و تفرقه افکنی های [اهل کتاب](#)، خاصه یهود، اشاره می‌کند که حتی بر سر [فهم](#) و [تفسیر تورات](#) [اختلاف](#) داشتند و بر این اساس به [گروه‌ها](#) و [احزاب](#) متعددی [تقسیم](#) شدند و به طرفداری از دو قبیله [اوس](#) و [خزرج](#) با هم می‌جنگیدند.

[۱۰۷] [جواد علی](#)، [المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام](#)، ج ۶، ص ۵۵۶، بیروت ۱۹۷۸/۱۹۷۶.

مضمون و ثمره نزول آیه اعتصام

این آیه بیانگر [اهمیت اخلاص](#) در دین است

[۱۰۸] [محمد بن جریر طبری](#)، [جامع البیان فی تفسیر القرآن](#)، ج ۴، ص ۲۱ به نقل از ابوالعالبه.

که [خداوند](#) همه [امت](#) های پیشین را به آن [فرمان](#) داده و آنان گاه [سربجی](#) کرده و راه تفرقه را پیش گرفته اند.

[۱۰۹] [بینة/سوره ۹۸](#)، [آیه ۴](#).

بنابراین، مسلمانان موظفاند در تمامی اعمال و [رفتار](#) خویش فقط خدا را در نظر داشته باشند و خود را مانند [بندگان](#) دیگر او ببینند و اگر در برخی [عقاید](#) و [مناسک](#) با دیگران اختلاف‌هایی دارند، بر آن‌ها [پافشاری](#) نکنند و نسبت به [فرقه](#) ای که به آن نسبت دارند، [تعصب](#) نورزند.

[۱۱۰] [محمد بن احمد قرطبی](#)، [الجامع لاحکام القرآن](#)، ج ۴، ص ۱۵۹، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

در [احادیث](#) نیز بر [گرویدن خالصانه](#) و [متوسلانه](#) به قرآن کریم، به عنوان [رمز وحدت](#) اسلامی، تأکید شده است: «فَعَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ».

[۱۱۱] [ابن حنبل](#)، [مسندالامام احمد بن حنبل](#)، ج ۲، ص ۲۱۲، بیروت: دار صادر.

شرط‌هایی از تفرقه از نظر قرآن

در واقع در بیان صریح [قرآن کریم ایمان](#) به [خدا](#)ی یکتا و [ایمان](#) به [آخرت](#) و انجام دادن [عمل صالح](#)، [شرط نجات](#) و [رستگاری](#) است

[۱۱۲] [مائدة/سوره ۵](#)، [آیه ۶۹](#).

تا اختلاف [عقیدتی](#) میان [بیروان](#) ادیان یا اختلاف موجود در [عقاید مسلمانان](#)، [بهبانه](#) ای برای تفرقه انگیزی و متفرق شدن نگرند.

[۱۱۳] [شوری/سوره ۴۲](#)، [آیه ۱۳](#).

[محور](#) تمام [مناسک عبادی](#) اسلامی نیز تفرقه زدایی و متمایل ساختن مسلمانان به [جمعیت](#) و [جماعت](#) است که این [خصوصیت](#) در [نمازهای جماعت](#) و [جمعه](#) و در [مراسم حج](#) مشهودتر است.

شرط‌هایی از تفرقه از نظر پیامبر

در یک [حدیث](#) مشهور [نبوی](#) نیز امت اسلامی به [ساختمانی](#) استوار و [دیرپا تشبیه](#) شده که اجزای آن یکدیگر را [ثابت](#) نگاه می‌دارند.

[۱۱۴] [احمد بن علی نسائی](#)، [کتاب السنن الکبری](#)، ج ۲، ص ۴۱، [چاپ عبدالغفار سلیمان بنداری و کسروی حسن](#)، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱.

[۱۱۵] [عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی](#)، [الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر](#)، ج ۲، ص ۶۶۰، بیروت ۱۴۰۱.

همچنین، به رغم آن‌که [نصاری](#) برای [خشنودی خداوند](#) و [اصرار](#) بر [اخلاص](#) در دین، به [رهبانیت](#) ([جمع‌گریزی](#) و [گوشه‌گیری](#)) رو آورده بودند

[۱۱۶] [حدید/سوره ۵۷](#)، [آیه ۲۷](#).

[۱۱۷] [محمد بن احمد قرطبی](#)، [الجامع لاحکام القرآن](#)، ج ۱۷، ص ۲۶۵، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

[۱۱۸] [محمد باقر بن محمد تقی مجلسی](#)، [بحار الانوار](#)، ج ۶۵، ص ۳۲۰.

، اسلام با نفي رهبانيت انواع گوناگون تفرقه را، هرچند **توجيه ديني** و **شرعي** داشته باشد، **بدعت** می‌داند و **محکوم** می‌کند؛ چنانکه **پيامبر اکرم**، ضمن **برخورد جنتی با انزواطلبی** ها و جمع‌گریزی ها، رهبانيت **امت** اسلامي را **جهاد** در راه خدا شناساند.

[۱۱۹] ابن ابی شيبه، المصنّف فی الاحاديث و الآثار، ج ۴، ص ۵۶۵، چاپ سعيد مجد لحام، بيروت ۱۹۸۹/۱۴۰۹.

[۱۲۰] ابن حنبل، مسندالامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۸۲، بيروت: دار صادر.

[۱۲۱] ابن حنبل، مسندالامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۶۶، بيروت: دار صادر.

[۱۲۲] ابن بابويه، الامالی، ج ۱، ص ۱۲۳، قم ۱۴۱۷.

[۱۲۳] علی بن حسام الدين متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۳، ص ۷۶۰، چاپ بکری حیّانی و صفوة سقا، بيروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹.

[۱۲۴] **مجد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۴.**

در احاديث ديگر نيز رهبانيت امت خود را **هجرت** و **جهاد** و **نماز** و **روزه** و **حج** دانسته است.

[۱۲۵] **مجد بن احمد قرطبي، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۷، ص ۲۶۵، بيروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵.**

[۱۲۶] **مجد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۲۰.**

فهرست منابع

- (۱) علاوه بر قرآن.
- (۲) محمود بن عبد الله آلوسی، روح المعانی، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۳) ابن ابی شيبه، المصنّف فی الاحاديث و الآثار، چاپ سعيد مجد لحام، بيروت ۱۹۸۹/۱۴۰۹.
- (۴) ابن بابويه، الامالی، قم ۱۴۱۷.
- (۵) ابن بابويه، معانی الاخبار، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۱ ش.
- (۶) ابن حنبل، مسندالامام احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر.
- (۷) ابن عاشور (مجد طاهر بن محمد)، تفسير التحرير و التنوير، تونس ۱۹۸۴.
- (۸) هاشم بن سليمان بحرانی، البرهان فی تفسير القرآن، چاپ محمود بن جعفر موسوی زرندي، تهران ۱۳۳۴ ش، چاپ افست قم.
- (۹) عبد علی بن جمعه حوزی، کتب تفسير نور الثقلين، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم (۱۳۸۳-۱۳۸۵).
- (۱۰) عبد الله بن عبد الرحمن دارمی، سنن الدارمی، چاپ مجد احمد دهمان، دمشق: مكتبة الاعتدال.
- (۱۱) حسين بن محمد راعب اصفهانی، المفردات فی غريب القرآن، چاپ مجد سيد كيلانی، بيروت.
- (۱۲) عبد الرحمن بن ابی بكر سيوطی، الجامع الصغير فی احاديث البشير النذير، بيروت ۱۴۰۱.
- (۱۳) مجد پادشاه بن غلام محیی الدين شاد، آندراج: فرهنگ جامع فارسی، چاپ مجد دبیر سیاقی، تهران ۱۳۶۳ ش.
- (۱۴) عبد الرزاق بن همام صنعانی، المصنّف، چاپ حبيب الرحمن اعظمی، بيروت: مجلس العلمی.
- (۱۵) مجد حسين طباطبائی، الميزان فی تفسير القرآن.
- (۱۶) فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان فی تفسير القرآن.
- (۱۷) مجد بن جریر طبری، جامع البيان فی تفسير القرآن.
- (۱۸) مجد بن حسن طوسی، التبيين فی تفسير القرآن.
- (۱۹) جواد علی، المفصل فی تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
- (۲۰) مجد غروی، الامثال النبویة، بيروت ۱۴۰۱.
- (۲۱) مجد بن عمر فخر رازی، التفسير الكبير، قاهره.
- (۲۲) چاپ افست تهران.
- (۲۳) مجد بن احمد قرطبي، الجامع لاحکام القرآن، بيروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- (۲۴) علی بن حسام الدين متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، چاپ بکری حیّانی و صفوة سقا، بيروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹.
- (۲۵) مجد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار.
- (۲۶) مجد جواد مغنیه، التفسير الكاشف، بيروت ۱۹۸۰-۱۹۸۱.
- (۲۷) احمد بن علی نسائی، کتب السنن الکبری، چاپ عبدالغفار سليمان بنداری و کسروی حسن، بيروت ۱۹۹۱/۱۴۱۱.

پانویس

۱. [↑](#) علاوه بر قرآن.
۲. [↑](#) مجد پادشاه بن غلام محیی الدين شاد، آندراج: فرهنگ جامع فارسی، ذیل واژه، چاپ مجد دبیر سیاقی، تهران ۱۳۶۳ ش.
۳. [↑](#) انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۹۲.
۴. [↑](#) مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۵۲.
۵. [↑](#) مجد بن جریر طبری، جامع البيان فی تفسير القرآن، ج ۱۷، ص ۶۷.
۶. [↑](#) فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان فی تفسير القرآن، ج ۷، ص ۱۱۱.
۷. [↑](#) مجد بن حسن طوسی، التبيين فی تفسير القرآن، ج ۲، ص ۵۴۶.
۸. [↑](#) مجد بن احمد قرطبي، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹، بيروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
۹. [↑](#) مجد بن احمد قرطبي، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۳۳۸-۳۳۹، بيروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
۱۰. [↑](#) انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۵۱-۹۱.
۱۱. [↑](#) انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۹۳-۹۴.
۱۲. [↑](#) مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۳۱-۵۱.
۱۳. [↑](#) مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۵۳-۵۴.
۱۴. [↑](#) مائده/سوره ۵، آیه ۴۸.

١٥. [↑ هود/سورة ١١، آية ١١٨.](#)
١٦. [↑ نحل/سورة ١٦، آية ٩٣.](#)
١٧. [↑ شوري/سورة ٤٢، آية ٨.](#)
١٨. [↑ بقره/سورة ٢، آية ٢١٣.](#)
١٩. [↑ يونس/سورة ١٠، آية ١٩.](#)
٢٠. [↑ هود/سورة ١١، آية ١١٨.](#)
٢١. [↑ شوري/سورة ٤٢، آية ٨.](#)
٢٢. [↑ شوري/سورة ٤٢، آية ١٠.](#)
٢٣. [↑ مائدة/سورة ٥، آية ٤٨.](#)
٢٤. [↑ بقره/سورة ٢، آية ٢١٣.](#)
٢٥. [↑ آل عمران/سورة ٣، آية ١٩.](#)
٢٦. [↑ شوري/سورة ٤٢، آية ١٤.](#)
٢٧. [↑ مائدة/سورة ٥، آية ١٤.](#)
٢٨. [↑ مائدة/سورة ٥، آية ٦٤.](#)
٢٩. [↑ سجده/سورة ٣٢، آية ٢٥.](#)
٣٠. [↑ آل عمران/سورة ٣، آية ١٠٥.](#)
٣١. [↑ آل عمران/سورة ٣، آية ١٠٥.](#)
٣٢. [↑ شوري/سورة ٤٢، آية ١٤.](#)
٣٣. [↑ بينة/سورة ٩٨، آية ٤.](#)
٣٤. [↑ هود/سورة ١١، آية ١١٨-١١٩.](#)
٣٥. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٤، ص ٤٥٩، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٣٦. [↑ هود/سورة ١١، آية ١١٨.](#)
٣٧. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٤، ص ١٥٩، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٣٨. [↑ ابن بابويه، معاني الاخبار، ج ١، ص ١٥٧، جلب على اكبر غفاري، قم ١٣٦١ ش.](#)
٣٩. [↑ عبد الله بن عبد الرحمن دارمي، سنن الدارمي، ج ٢، ص ٢٤١، جلب على محمد احمد دهمان، دمشق: مكتبة الاعتدال.](#)
٤٠. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٤، ص ١٥٩-١٦٠، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٤١. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ١٢، ص ١٢٩-١٣٠، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٤٢. [↑ محمد حسين طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ٣، ص ٣٧٩٣٨٠.](#)
٤٣. [↑ عبد الرزاق بن همام صنعاني، المصنف، ج ٥، ص ٢٢٦، جلب على حبيب الرحمن اعظمي، بيروت: مجلس العلمى.](#)
٤٤. [↑ محمد غزوي، الامثال النبوية، ج ٢، ص ٣٤٧، بيروت ١٤٠١.](#)
٤٥. [↑ حجرات/سورة ٤٩، آية ١٠.](#)
٤٦. [↑ انفال/سورة ٨، آية ٧٣.](#)
٤٧. [↑ حشر/سورة ٥٩، آية ١٤.](#)
٤٨. [↑ جواد على، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، ج ٤، ص ٤٠٨، بيروت ١٩٧٦/١٩٧٨.](#)
٤٩. [↑ جواد على، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، ج ٤، ص ٤٠٨، بيروت ١٩٧٦-١٩٧٨.](#)
٥٠. [↑ جواد على، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، ج ٤، ص ٤٠٨، بيروت ١٩٧٦/١٩٧٨.](#)
٥١. [↑ شوري/سورة ٤٢، آية ١٣.](#)
٥٢. [↑ روم/سورة ٣٠، آية ٣١-٣٢.](#)
٥٣. [↑ حسين بن محمد راغب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، ذيل «قوم»، جلب على محمد سيد كيلاني، بيروت.](#)
٥٤. [↑ شوري/سورة ٤٢، آية ١٤-١٥.](#)
٥٥. [↑ روم/سورة ٣٠، آية ٣٠.](#)
٥٦. [↑ روم/سورة ٣٠، آية ٣١-٣٢.](#)
٥٧. [↑ مؤمنون/سورة ٢٣، آية ٥٣.](#)
٥٨. [↑ روم/سورة ٣٠، آية ٣٢.](#)
٥٩. [↑ محمد بن جرير طبري، جامع البيان في تفسير القرآن، ج ١٨، ص ٢٣.](#)
٦٠. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ١٤، ص ٣٢، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٦١. [↑ ابن عاشور \(محمد طاهر بن محمد\)، تفسير التحرير و التتوير، ج ١٨، ص ٧٢-٧٣، تونس ١٩٨٤.](#)
٦٢. [↑ انعام/سورة ٦، آية ١٥٩.](#)
٦٣. [↑ محمد حسين طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ٧، ص ٣٨٩٣٩٠.](#)
٦٤. [↑ محمد بن جرير طبري، جامع البيان في تفسير القرآن، ج ١١، ص ١٧-١٩.](#)
٦٥. [↑ توبة/سورة ٩، آية ١٠٧-١١٠.](#)
٦٦. [↑ محمد بن عمر فخر رازي، التفسير الكبير، ج ١٦، ص ١٩٥، قاهره.](#)
٦٧. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٨، ص ٢٥٤، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٦٨. [↑ ابن عاشور \(محمد طاهر بن محمد\)، تفسير التحرير و التتوير، ج ١١، ص ٣١، تونس ١٩٨٤.](#)
٦٩. [↑ نساء/سورة ٤، آية ١٥٠-١٥٢.](#)
٧٠. [↑ بقره/سورة ٢، آية ١٣٦.](#)
٧١. [↑ بقره/سورة ٢، آية ٢٨٥.](#)

٧٢. [↑ آل عمران/سوره ٣، آيه ١٩-٢٠.](#)
٧٣. [↑ آل عمران/سوره ٣، آيه ٨٤-٨٥.](#)
٧٤. [↑ شوري/سوره ٤٢، آيه ١٤.](#)
٧٥. [↑ بيّنّة/سوره ٩٨، آيه ٤.](#)
٧٦. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ١٦، ص ١٢، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٧٧. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٢٠، ص ١٤٣، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٧٨. [↑ ابن عاشور \(محمد ظاهر بن محمد\)، تفسير التحرير و التنوير، ج ٢٥، ص ٥٨٥٦، تونس ١٩٨٤.](#)
٧٩. [↑ بقره/سوره ٢، آيه ٢١٣.](#)
٨٠. [↑ آل عمران/سوره ٣، آيه ١٩.](#)
٨١. [↑ يونس/سوره ١٠، آيه ٩٣.](#)
٨٢. [↑ جاثية/سوره ٤٥، آيه ١٧.](#)
٨٣. [↑ هود/سوره ١١، آيه ١١٠.](#)
٨٤. [↑ فصلت/سوره ٤١، آيه ٤٥.](#)
٨٥. [↑ آل عمران/سوره ٣، آيه ١٠٥.](#)
٨٦. [↑ محمد بن حسن طوسي، التبيين في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٥٥٠.](#)
٨٧. [↑ بقره/سوره ٢، آيه ١١١.](#)
٨٨. [↑ بقره/سوره ٢، آيه ١٣٥.](#)
٨٩. [↑ بقره/سوره ٢، آيه ١١٣.](#)
٩٠. [↑ آل عمران/سوره ٣، آيه ١٠٣.](#)
٩١. [↑ حسين بن محمد راعب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، ذيل «عصم»، چاپ محمد سيد كيلاني، بيروت.](#)
٩٢. [↑ محمد بن جرير طبري، جامع البيان في تفسير القرآن، ج ٤، ص ٢١.](#)
٩٣. [↑ محمد بن حسن طوسي، التبيين في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٥٤٥.](#)
٩٤. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٤، ص ١٥٩، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
٩٥. [↑ هاشم بن سليمان بحراني، البرهان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٣٠٥، چاپ محمود بن جعفر موسوي زرندي، تهران ١٣٣٤ ش، چاپ افست قم.](#)
٩٦. [↑ عبد علي بن جمعه حوزي، كتاب تفسير نور الثقلين، ج ١، ص ٣٧٧، چاپ هاشم رسولي محلاتي، قم \(١٣٨٣١٣٨٥\).](#)
٩٧. [↑ محمود بن عبد الله آلوسي، روح المعاني، ج ٤، ص ١٨، بيروت: دار احياء التراث العربي.](#)
٩٨. [↑ هاشم بن سليمان بحراني، البرهان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٣٠٧، چاپ محمود بن جعفر موسوي زرندي، تهران ١٣٣٤ ش، چاپ افست قم.](#)
٩٩. [↑ عبد علي بن جمعه حوزي، كتاب تفسير نور الثقلين، ج ١، ص ٣٧٧، چاپ هاشم رسولي محلاتي، قم \(١٣٨٣١٣٨٥\).](#)
١٠٠. [↑ محمود بن عبد الله آلوسي، روح المعاني، ج ٤، ص ١٨، بيروت: دار احياء التراث العربي.](#)
١٠١. [↑ عبد علي بن جمعه حوزي، كتاب تفسير نور الثقلين، ج ١، ص ٣٧٨، چاپ هاشم رسولي محلاتي، قم \(١٣٨٣١٣٨٥\).](#)
١٠٢. [↑ محمد بن حسن طوسي، التبيين في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٥٤٥.](#)
١٠٣. [↑ محمد بن حسن طوسي، التبيين في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٥٤٩.](#)
١٠٤. [↑ محمد جواد مغنبيه، التفسير الكاشف، ج ٢، ص ١٢٢، بيروت ١٩٨٠-١٩٨١.](#)
١٠٥. [↑ آل عمران/سوره ٣، آيه ١٠١.](#)
١٠٦. [↑ محمد بن جرير طبري، جامع البيان في تفسير القرآن، ج ٤، ص ١٩.](#)
١٠٧. [↑ جواد علي، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، ج ٦، ص ٥٥٦، بيروت ١٩٧٦/١٩٧٨.](#)
١٠٨. [↑ محمد بن جرير طبري، جامع البيان في تفسير القرآن، ج ٤، ص ٢١ به نقل از ابوالعاليه.](#)
١٠٩. [↑ بيّنّة/سوره ٩٨، آيه ٤.](#)
١١٠. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٤، ص ١٥٩، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
١١١. [↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ٢، ص ٢١٢، بيروت: دار صادر.](#)
١١٢. [↑ مائدة/سوره ٥، آيه ٦٩.](#)
١١٣. [↑ شوري/سوره ٤٢، آيه ١٣.](#)
١١٤. [↑ احمد بن علي نسائي، كتاب السنن الكبرى، ج ٢، ص ٤١، چاپ عبدالغفار سليمان بنداري و كسروي حسن، بيروت ١٩٩١/١٤١١.](#)
١١٥. [↑ عبد الرحمن بن ابي بكر سيوطي، الجامع الصغير في احاديث البشير النذير، ج ٢، ص ٦٦٠، بيروت ١٤٠١.](#)
١١٦. [↑ حديد/سوره ٥٧، آيه ٢٧.](#)
١١٧. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ١٧، ص ٢٦٥، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
١١٨. [↑ محمد باقر بن محمد تقى مجلسي، بحار الانوار، ج ٦٥، ص ٣٢٠.](#)
١١٩. [↑ ابن ابي شيبه، المصنّف في الاحاديث و الآثار، ج ٤، ص ٥٦٥، چاپ سعيد محمد لحام، بيروت ١٩٨٩/١٤٠٩.](#)
١٢٠. [↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ٣، ص ٨٢، بيروت: دار صادر.](#)
١٢١. [↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ٣، ص ٢٦٦، بيروت: دار صادر.](#)
١٢٢. [↑ ابن بابويه، الامالي، ج ١، ص ١٢٣، قم ١٤١٧.](#)
١٢٣. [↑ علي بن حسام الدين متقي، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، ج ٣، ص ٧٦٠، چاپ بكرى حيانى و صفوة سقا، بيروت ١٤٠٩/١٩٨٩.](#)
١٢٤. [↑ محمد باقر بن محمد تقى مجلسي، بحار الانوار، ج ٧٩، ص ١١٤.](#)
١٢٥. [↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ١٧، ص ٢٦٥، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.](#)
١٢٦. [↑ محمد باقر بن محمد تقى مجلسي، بحار الانوار، ج ٦٥، ص ٣٢٠.](#)

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «تفرقه»، شمار ۳۶۷۸.](#)

رده‌های این صفحه: [اخلاق اسلامی](#) | [تفرقه](#) | [دلائل اخلاقی](#) | [فرهنگ و اجتماع](#)